



## خبر نامه خانه امن

شماره ۴، تیر ۱۳۹۳

### موضوع: چگونگی حمایت کودک

#### چرا این موضوع را انتخاب کردیم؟

سن پایان کودکی یک ضابطه بین المللی است که صف کودکان را از بزرگسالان جدا می کند و آنها پس از گذار از آن سن است که با تکالیف قانونی خود آشنا می شوند و یاد می گیرند که اگر اقدام مجرمانه ای انجام بدهند مانند بزرگسالان مجازات می شوند. همچنین تعیین روشن و دقیق سن پایان کودکی، درهای تازه ای از حقوق را در برابر آنها می گشاید و می تواند پس از گذار از آن سن، تنها سفر کنند، گواهی رانندگی بگیرند، با فرد مورد نظر خود ازدواج کنند، رای بدهند، و در مجموع وارد مشارکت حزبی و سیاسی و خدمات اجتماعی شده و در حوزه های اشتغال فعال بشوند. پس از پایان سن کودکی است که ممکن است آنها را برای پاسداری از مرزهای کشورشان به جنگ اعزام کنند. بنابراین سن پایان کودکی در قوانین داخلی هر کشور از اهمیت کاربردی برخوردار است. سن پایان کودکی در اسناد بین المللی برای افراد دو جنس ۱۸ سالگی تعیین شده است.

در قوانین ایران مرزهای پایان کودکی در هم ریخته و مغشوش است. این اغتشاش قانونی، در سالهای آغاز انقلاب، همه را سرگشته می کرد و پس از آن که گزارشگران نهادهای بین المللی حقوق کودک و حقوق زن فعال شدند، گرفتاری صد چندان شد و موضوع برای آنها تبدیل به یک مسئله اساسی شد. هنوز ترجمه قوانین ایران پیرامون پایان سن کودکی، به صورتی که برای نهادهای بین المللی قابل فهم باشد، دشوار است.

از اینرو شماره جدید خبرنامه خانه امن را به حقوق کودک اختصاص داده ایم.

سایت خانه امن با اهداف مختلفی تاسیس شده است. این اهداف عبارت است از:

– ظرفیت سازی جامعه مدنی و حقوقی ایران در جهت پشتیبانی از قربانیان خشونت خانگی.

– افزایش آگاهی عمومی ایرانیان درباره خشونت خانگی و انواع آن و راههای پیشگیری و کنترل خشونت خانگی.

– فراهم آوردن فضا و فرصتی برای فعالان جامعه مدنی و وکلا برای بحث و گفت و گو درباره خشونت خانگی در ایران. – آموزش از طریق برگزاری میزگردهای آن لاین و کلاس های آموزشی.

همچنین

وب سایت "خانه امن" یک دفتر وکالت مجازی است که وکلای ما آماده ارائه خدمات مشاوره رایگان به افرادی هستند که با اشکال مختلف خشونت خانگی مواجه هستند.

"به امید روزی که در هیچ خانه ای خشونت نباشد."

مشاوره حقوقی رایگان برای قربانیان خشونت خانگی:

[www.khanehamn.org/hotline-online](http://www.khanehamn.org/hotline-online)

تلفن: ۰۲۱-۸۵۳۱۲۶۰۰  
روزهای سه شنبه و چهارشنبه  
از ۱۷:۳۰ تا ۲۰:۳۰





## کودک در قوانین ایران چگونه تعریف شده است

مهری ملکوتی: وکیل - پژوهشگر

### بررسی سن پایان کودکی در قانون مدنی

**"ماده ۱۲۱۰-** هیچ کس را نمی توان پس از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

**تبصره ۱ -** سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام هجری قمری و در دختر ۹ سال تمام هجری قمری است.

**تبصره ۲ -** اموال صغیری را که بالغ شده است در صورتی می توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد."

سن بلوغ مندرج در این ماده قانونی و تبصره های آن، حامل کدام پیام برای بچه های ایرانی است؟

اثبات رشد مندرج در تبصره ۲ واجد کدام فایده کاربردی است و چگونه دست یافتنی است؟

این ها پرسش هایی است که به دست آوردن یک پاسخ سراسر در باره "پایان سن کودکی در قوانین ایران" را دشوار می سازد. تا جایی که می توان تصور کرد یک صغیر ناگهان به حکم دادگاه "رشد" می شود و می توان اموال نقدی و ملکی را در اختیارش گذاشت، در حالی که هنوز به سن ۱۸ سالگی که سن قانونی نقل و انتقال در دفاتر اسناد و املاک رسمی است نرسیده است.

**"ماده ۱۰۴۱ -** عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح."

ابتدا تصور می شود سن پایان کودکی در این قانون برای دختران ۱۳ سالگی و برای پسران ۱۵ سالگی است. ولی بلافاصله این درک از قانون به تزلزل می گراید. زیرا ماده ۱۰۴۱ اجازه می دهد سن ازدواج مشروط به اجازه ولی قهری ( پدر یا جد پدری) تغییر کند و کمتر بشود. بنابراین نمی توان به کمک این ماده از قانون به درستی گفت که پایان سن کودکی کدام است؟

از طرفی قانونگذار نمی تواند در جایی قانون را به سال هجری قمری تعیین کند و در جای دیگری به سال شمسی. این شیوه از قانونگذاری با فن قانونگذاری در تضاد است و به قوانین ایران از حیث پایان سن کودکی، انسجام و هماهنگی نمی بخشد و درجه خطا را در خواننده این مواد بالا می برد.

**"ماده ۱۰۴۳ -** نکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ و رشد رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید."

ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی هم مضمونی نزدیک به ماده ۱۰۴۳ دارد.

بنابراین مواد ۱۰۴۱ و ۳ و ۴ نمی تواند گزارشگر سن پایان کودکی در دختران شناخته بشود. زیرا: اولاً بکارت را ملاک قرار داده که می تواند یک دختر ۴۰ ساله را هم در بر بگیرد که در این صورت به نظر می رسد او هنوز برای ازدواج، کودک و صغیر شناخته می شود. ثانیاً به نظر می رسد ۱۳ سالگی که به موجب ماده ۱۰۴۱ سن نکاح دختران است، برای دختران سن استقلال در انتخاب شوهر هم هست، ولی بلافاصله مفاد و مندرجات مواد ۱۰۴۱ و ۳ و ۴، این داوری را بکلی بی اعتبار می کند. چون "بکارت" مبنای آزادی یا عدم آزادی دختران در خصوص انتخاب همسر، قرار می گیرد، نه پایان سن کودکی که در بحث ازدواج برای دختران ۱۳ سالگی است.

در این جا هم سرگشتگی نسبت به پایان کودکی در خصوص دختران، تداوم می یابد. قانونگذار در ایران کمک نمی کند تا پایان سن کودکی از سوی پژوهشگران و نهادهای جهانی حقوق کودک، به روشنی فهمیده بشود.

**"ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی-** ابوبین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمی توانند طفل خود را خارج از حدود تادیب، تنبیه نمایند."

این ماده از قانون هم مرزهای پایان کودکی را مشخص نمی کند. این که تا چه سنی فرزند طفل شناخته می شود مجهول است. "خانه امن" نامه هایی دریافت می دارد که مثلاً یک دختر یا پسر دانشجوی خانواده از سوی افراد بزرگسال خانه به خصوص پدر تنبیه بدنی می شود و والدین این رفتار را خیلی طبیعی تلقی می کنند و حتی شرعی و قانونی. این رویدادها از ابهام در پایان سن کودکی در قوانین ایران سرچشمه می گیرد.

### یک توضیح:

اداره حقوقی قوه قضائیه بر پایه یک نظریه مشورتی، "زمان وقوع جرم" را ملاک مسئولیت در این چهار دوره سنی قرار داده و "زمان رسیدگی" ملاک مسئولیت نیست.

### یک نکته مثبت:

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مجازات شلاق را از جرائم تعزیراتی این رده های سنی حذف کرده که گامی است مثبت و مفید به حال کودکان و نوجوانان بزهکار.

### جرایم موجب حد یا قصاص

تبصره دوم ماده ۸۸ دستور می دهد: اطفال نابالغ مرتکب یکی از جرائم حد یا قصاص در صورتی که ۱۲ تا ۱۵ سال قمری داشته باشند به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و یا (ث) محکوم می شوند و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می گردد.

در این رده بندی سنی، جنسیت به صورت مستقیم وارد نشده است. با مطالعه بندهای یاد شده، مشخص است که مجازات های سنگین مترتب بر حدود و قصاص، در صورتی که مرتکب ۱۲ تا ۱۵ ساله باشد، شامل حال او نمی شود.

اما این که تبصره ۲ ماده ۸۸ تاکید دارد بر "نابالغ"، ابهام تازه ای پیش رو قرار می گیرد. ابهام این است: قانون دختر ۹ ساله به هجری قمری را بالغ می شناسد. بنابراین تبصره ۲ با توجه به اعتبار قانون مربوط به سن بلوغ دختران که در بالا ذکر شد، چگونه نسبت به دختران صورت اجرائی به خود می گیرد. با یک دختر ۱۲ ساله که از نگاه قانون مدنی "بالغ" است. با وجود این تعارض چگونه برخورد می شود؟

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی جدید هم نظر بر ایجاد امکاناتی در خصوص کاستن از مجازات های سنگین نسبت به زیر ۱۸ ساله ها دارد.

در مجموع قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ سن پایان کودکی را به موازین جهانی نزدیک نکرده و سن بلوغ دختران همان ۹ سال به هجری قمری و پسران ۱۵ سال به هجری قمری است. اما تسهیلات برای زیر ۱۸ ساله ها را به صورت چند نمونه ای که به آن اشاره شد و نمونه های دیگری که در قانون جدید به آن پرداخته است، ایجاد کرده است. هر چند به صورت غیر دقیق.

آن چه مسلم است این قانون برای رفع اغتشاش از پایان سن کودکی در ایران گامی بر نداشته است.

"ماده ۱۱۶۹ - برای حضانت و نگهداری طفلی که ابوبین او جدا از یکدیگر زندگی می کنند، مادر تا سن هفت سالگی اولویت دارد و پس از آن با پدر است.

تبصره - بعد از هشت سالگی در صورت حدوث اختلاف، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک به تشخیص دادگاه می باشد."

حال اگر با توجه به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، یک دخترک ۹ ساله به سال هجری قمری را بالغ بشناسیم، باید قاعدتا بتواند از قبول حضانت پدر پس از هفت سالگی امتناع کند. اما دختر در ۹ سالگی ضعیف تر از آن است که بتواند در برابر پدرش بایستد و حتی اگر بخواهد از طریق دادگاه هم مانند یک انسان بالغ حق خواهی کند، قادر نیست بدون اجازه پدر وارد این حق خواهی بشود. بنابراین ابهام در پایان سن کودکی، برای کودک ایجاد ناامنی می کند.

### سن پایان کودکی در قانون مجازات اسلامی

#### جرایم تعزیراتی

در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲، سن ورود به مسئولیت کیفری کودکان همچنان برای دختران ۹ سال به سال هجری قمری و برای پسران ۱۵ سال به سال هجری قمری باقی مانده و اعتنایی به سن ۱۸ سالگی برای پایان کودکی که خواست "کنوانسیون حقوق کودک" است نشده است. اما در این قانون کوشش شده دست قاضی برای دور کردن زیر ۱۸ ساله ها از مجازات های سنگین، باز بشود. به این ترتیب:

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دوران کودکی و نوجوانی به چهار دوره تقسیم شده است. ۱ - بدو تولد تا ۹ سالگی، ۲ - ۱۲ تا ۱۵ سالگی، ۳ - ۱۵ تا ۱۸ سالگی.

قانونگذار در قانون جدید برای هر یک از این دوره ها، تدابیری اندیشیده که تسهیلاتی در اختیار قاضی می گذارد تا از شدت عمل نسبت به زیر ۱۸ ساله ها با استناد به آن تدابیر خودداری کند. مجازات های مترتب بر سنین یاد شده در بالا، این گونه تعیین شده است:

درباره جرائم تعزیراتی مرتکبین زیر ۹ سال، احکامی که در بر گیرنده اقدامات تامینی و تربیتی است، صادر می شود.

درباره جرائم تعزیراتی مرتکبین ۹ تا ۱۵ سال برای اصلاح و تربیت آنها تصمیمات قضائی گرفته می شود. البته با تاکید بر مسئولیت والدین و سرپرست قانونی تا در اجرای آن تصمیمات به صورت جدی همکاری کنند.

درباره جرائم تعزیراتی مرتکبین ۱۵ تا ۱۸ سال به موجب ماده ۸۹ همین قانون، مجازات هائی مانند جزای نقدی، ارائه خدمات عمومی رایگان، و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت اعمال می شود.

## سن پایان کودکی در قانون گذرنامه

قانون گذرنامه مصوب ۱۰ اسفند ۱۳۵۱، در بند ۱ از ماده ۱۸، تاکید دارد بر این که کمتر از ۱۸ ساله ها به شرطی که ولی ( پدر یا جد پدری) یا قیم به صورت کتبی و رسمی اجازه داده باشد، می توانند به خارج سفر کنند.

در این قانون سن پایان کودکی در عمل ۱۸ سالگی تعیین شده است.

## سن خدمت نظام وظیفه پسران

سناد نیروهای مسلح اعلام کرده که سن سربازی از ۱۸ سال به ۱۹ سال افزایش یافته است.

## سن شرکت در انواع انتخابات

این سن تا ۱۸ سالگی افزایش یافته است.

## سن اشتغال در قانون کار

زیر ۱۸ سالگی است.

## جمع بندی

سن پایان کودکی در قوانین داخلی ایران به صورت دقیق تعیین نشده است. قانونگذار برای رفع این هرج و مرج هنوز گامهای استواری بر نداشته است. در زمینه هائی مثل ورود به مسئولیت کیفری، دخترکان ۹ ساله به هجری قمری، کودک محسوب نمی شوند. آنها بزرگسال شناخته شده و مسئولیت های جدی را باید بپذیرند. در این حوزه از مسئولیت پذیری سن پایان کودکی پسران ۱۵ سال به هجری قمری است که این هم اغتشاش دیگری در قانونگذاری نسبت به تعیین سن واحد پایان کودکی است.

دختران از ۱۳ سالگی می توانند ازدواج کنند و حتی زودتر از آن به شرط اجازه ولی و دادگاه. بنابراین، به نظر می رسد در زمینه نکاح،

سن پایان کودکی دچار اغتشاش است و به صورت خوش بینانه برای دختران ۱۳ سالگی و برای پسران ۱۵ سالگی است.

با وجود این درجه از اغتشاش در سن پایان کودکی، قانونگذار در زمینه مشارکت سیاسی مثل شرایط رای دهندگان در نهادهای انتخابی، به تدریج سنین ۱۵ و ۱۶ سالگی را به ۱۸ سالگی تغییر داده است.

## نتیجه گیری

ایران تلاش دارد پایان کودکی را به ضوابط جهانی و کنوانسیون حقوق کودک که آن را امضا کرده است نزدیک کند، ولی از آن جا که تنها منبع قانونگذاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، منابع شرعی و میانی اسلامی تعیین شده، حتی اگر اکثریت نمایندگان مجلس، به یکسان شدن سن پایان کودکی در تمام قوانین ایران رای موافق بدهند، فقهای شورای نگهبان که با تفاسیر غیر روزآمد، متون دینی را تعریف می کنند، آن را وتو کرده و اجازه نمی دهند تبدیل به قانون لازم الاجرا بشود.

این وضعیت در شرایطی برای یکسان شدن پایان سن کودکی در قوانین ایران، ایجاد هرج و مرج و اغتشاش کرده که فقهای در ایران هستند که نظریه فقهی شان در این باره با نظریه فقهی شورای نگهبان تفاوت دارد، ولی آنها فاقد نیروی لازم سیاسی در ساختار حقیقی کشور هستند.

به نظر می رسد تاکید حقوقدانان ایرانی بر نظریه های فقهی این دسته از فقها و کارشناسان با برگزاری همایش هائی توسط وکلای دادگستری که هدف بحث و گفت و گو پیرامون این مسئله و بن بست های ناشی از آن در مناسبات خانوادگی و اجتماعی را دنبال کند، در نهایت مفید بوده و به خصوص توجه نهادهای قانونگذاری را به زیان های ملی و بین المللی این اغتشاش در پایان سن کودکی، جلب کند.





## مقدمه

با مذاقه در آیات قرآن ملاحظه می‌گردد که از دیدگاه وحی، حمایت از موجود انسانی محدود به دوران حیات او نمی‌شود، بلکه قبل از مرحله جنینی آغاز و تا بعد از مرگ و حیات اخروی او ادامه می‌یابد.<sup>۱</sup> همچنین است، تنوع و گستره حمایتی از انسان که محدود به جنبه‌های حقوقی او نمی‌گردد، بلکه در ابعاد مختلف حیاتی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی و حتی حیات اخروی او را نیز شامل می‌شود.<sup>۲</sup> در این مقاله سعی شده نمونه‌هایی از آیات قرآنی به عنوان اولین منبع استنباط احکام، بصورت حصری و در جهت تبیین حقوق کودک از منظر قرآن و سپس بیان برخی اقسام این حقوق مشابه آنچه در حقوق عرفی حاکم است، مورد بررسی قرار گیرد.

## یکم - حقوق کودک (شناسایی صغیر و سن آن)

توجه قرآن به موجود انسانی از زمان جوهر اولیه شکل دهنده او و انعقاد نطفه می‌باشد، زمانی که آغاز حمایت حقوقی و کیفری از این موجود است. چنانکه در سوره مومنون آیات دوازدهم تا چهاردهم آمده است: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ... " ۳

۱- برای نمونه رجوع کنید به آیات: هشتاد و هفتم از سوره نمل، چهاردهم از سوره فرقان، هشتم از سوره جمعه، بیست و شش و بیست و هشتم از سوره قیامت.

۲- برای نمونه، رجوع کنید به:

- آیه نهم از سوره منافقون: راجع به تعادل در ابراز محبت به فرزندان.
- آیه یکصدوسی و دوم از سوره طه: درتوصیه به نماز و صبر:
- آیه هفدهم از سوره لقمان: در لزوم هدایت و راهنمایی فرزندان.
- آیات سیزدهم و هجدهم از سوره لقمان: در تعلیم و تربیت.
- آیه بیست و ششم از سوره قصص: در مشورت با فرزند (دختر).

۳- " همانا، انسان را از قدری گل آفریدیم. سپس او را آب سیالی در جایگاهی ثابت قرار دادیم. سپس آب سیال را به صورت خون لخته شده خلق کردیم و این خون را به صورت گوشتی له شده خلق کردیم و {بعد} گوشت له شده را به صورت استخوان‌هایی خلق کردیم و بر استخوان‌ها گوشتی رویاندیم و بعد آن را به صورت موجود دیگری خلق کردیم".

از نظر قرآن، دوران کودکی از زمان تولد تا بلوغ را شامل می‌گردد، و براساس آیه پنجاه و نهم از سوره نور که مقرر میدارد: "وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ"، دوره طفولیت یا سن کودکی با ظهور علائم بلوغ پایان میابد. عدد سن بلوغ در قرآن بیان نشده است و فقط معیار را احتلام دانسته است و آن چه که برای دختر، نه سال قمری و برای پسر، پانزده سال قمری اعلام و ملاک عمل میباشد، استنباطی است که در کشورهای مختلف اسلامی و بر مبنای منابع مختلف فقهی حاصل میشود.

حال، بمنظور تعریف حقوق کودک و درجهت استخراج و تعیین اقسام حقوق ناظر بر کودک از میان آیات قرآنی، دو ویژگی را می‌بایست مد نظر قرارداد:

اولاً - آیات در برگزیده احکام، شامل مرحله انعقاد نطفه و تولد تا مرحله بلوغ باشند، زیرا این محدوده متضمن تعریف صغیر و شمول احکام حقوقی و کیفری بر آنها میباشد.

ثانیاً - احکام و تکالیف یاد شده مربوط به صغیر، واجد اوصاف و آثار حقوقی باشند.

بر اساس دو شاخصه فوق، حقوق کودک را از منظر قرآن میتوان چنین تعریف نمود: "حقوق کودک عبارتست از احکام قرآنی حاکم بر صغار که دارای آثار حقوقی باشند". به عبارت دیگر حقوق کودک بر مبنای وحی عبارتست از: "آثار حقوقی متوجه صغیر که از اوامر و نواهی آیات قرآن ناشی شود".

## دوم - حق حیات و ارتزاق

می‌توان گفت اولین حقی که متوجه طفل و البته هر انسانی می‌شود، حق حیات اوست. از اینرو توصیه و تاکید بر حفظ حیات در آیات متعدد، من جمله آیه صد و پنجاه و یکم از سوره انعام: "... وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا

۴- «و آنگاه که کودکان شما به حد بلوغ (احتلام) می‌رسند، باید در همه اوقات برای ورود به محل خصوصی مثل سایر افراد بالغ رخصت بگیرند، همان گونه که بزرگسالان که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند. بدین ترتیب خدا آیات خود را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است".

ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمُ  
وَصَاكُم بِهِ لَعْنَتُمْ تَعْلُونَ.<sup>۹</sup> و آیه سی و یکم از سوره الاسراء که  
مقرر می دارد: " وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ  
إِنْ قَتَلْتُمْ كَانَ خَطِئًا كَبِيرًا." بصورت منع از ارتکاب قتل، به دلیل  
ترس از ارتزاق آنها حکم شده است.  
مساله شیردادن به نوزاد و مدت آن (دو سال) از دیگر توجهات و  
تاکیداتی است که در آیه دویست و سی و سوم از سوره بقره به آن  
اشاره شده است: " وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ"<sup>۱۰</sup>.

### سوم - حق داشتن نام

لزوم برخورداری از نام جهت شناخته شدن طفل، حقی است که از  
فحوی آیات مختلف، استنباط می شود و مورد توجه قرآن قرار  
گرفته است. در سوره مریم ، آیه هفتم آمده است: " يَا زَكَرِيَّا إِنَّا  
نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا"<sup>۸</sup>. همچنین در  
آیات سی و پنج و سی و شش از سوره آل عمران: " إِذْ قَالَتْ امْرَأَةٌ  
عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ - فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ  
بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ  
وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ"<sup>۹</sup>. در این آیات هر چند موضوع اصلی  
مسائل دیگری است، ولی بر نامگذاری و نامیده شدن کودک ، تاکید  
شده است.

### چهارم - حق حرمت نفس (حرمت جنسیتی کودک)

مساله تفاوت نگاه جنسیتی به کودک، اولین موضوعی است که  
همواره بیشترین آسیب را به فرد در جهت از بین بردن حرمت نفس  
او وارد میکند. درآیه چهل و نهم از سوره شوری ، آنجا که آمده  
است: "... يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِئَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ"<sup>۱۰</sup>. به حق

<sup>۹</sup> - "و فرزندانان را از بیم فقر نکشید- ما شما و آنها را روزی می دهیم- و  
به کارهای زشت نزدیک نسوید چه آشکار آنها و چه پنهان آنها ( مانند  
گناهان عملی و اعتقادی ، یا گناهان آشکار در نظر مردم و پوشیده از آنها  
) ، و نفسی را که خدا محترم شمرده و کشتنش را حرام کرده جز به حق (   
نظیر قصاص یا حدود یا دفاع و غیره ) نکشید. اینهاست که خدا شما را  
بدان سفارش کرده ، شاید ببینیدشید."

<sup>۱۰</sup> - " و فرزندان خود را از ترس فقر و تنگدستی نکشید ، ماییم که آنها و

شما را روزی می دهیم حقا که کشتن آنها گناهی است بزرگ."

<sup>۷</sup> - " و مادران باید دو سال کامل نوزادان خود را شیر بدهند."

<sup>۸</sup> - " ای زکریا، ما به تو بشارت میدهم که صاحب پسری میشوی. نامش  
یحیی است، پسری که همنامی برای قبلاً قرار نداده ایم."

<sup>۹</sup> - " هنگامی که همسر عمران گفت : خداوندا ! من آنچه را در شکم دارم  
از روی اخلاص نذر تو کردم . پس این نذر را از من بپذیر که تو شنوا و  
دانایی. پس هنگامی که او را به دنیا آورد،گفت : پروردگارا ! من او را  
دختر به دنیا آوردم - ولی خدا بدانچه او به دنیا آورده بود آگاهتر است.  
پسر مانند دختر نیست : من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندانها را از  
وسوسه شیطان رانده شده در پناه تو میگذارم" .

<sup>۱۰</sup> - "خداوند به هر کس بخواددختر هدیه میدهوبه هر کس بخوادپسرمی  
بخشد."

حرمت نفس با به عبارتی حرمت جنسیتی کودک و برابر دانستن  
فرزندان پسر و دختر، اشاره شده است.

### پنجم - حق حضانت (در پناه والدین و در طلاق)

نگاهداری و تعلیم و تربیت کودک از بدو تولد امری ضروری  
است. مسایلی همچون ولایت و قیمومت نیز در همین راستا به میان  
می آید. هرچند سوی دیگر حق حضانت، تکلیف والدین مطرح  
میشود ولی پرداختن به آن از حوصله این بحث خارج است. اصل  
مساله حضانت را میتوان در بخشی از فحوی آیه دویست و سی و  
سوم سوره بقره برداشت نمود: " ... علی المولود له رزقهن و  
کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس إلا وسعها ..."<sup>۱۱</sup>.

قرآن در آیه ششم از سوره طلاق، به مساله طلاق و حق طفل در  
زمان جدایی والدین از یکدیگر توجه کرده است. رعایت حقوق  
جنین و نوزادی که والدینش با هم اختلاف پیدا کرده اند، و قصد  
طلاق دارند، اشاره می کند. " أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجُوهِكُمْ  
وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ  
حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ إِنَّمَا جُنْدُكُمْ  
بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسُدِّعُوا لَهُ الْأُخْرَى"<sup>۱۲</sup>. در این آیه حتی به  
مراعات وضعیت زن باردار در زمان طلاق نیز اشاره شده است.  
بدیهی است این تاکید و توجه، بی ارتباط به وضعیت روانی مادر و  
اثر مستقیم آن بر اوضاع روانی و تربیتی کودک نمی باشد.

### ششم - حق مالی

اطفال از جهت برخورداری از حقوق مالی، تفاوتی با افراد  
بزرگسال ندارند، این مساله به ویژه در مواردی همچون ارث و یا  
وصیت کاملاً مشهود است. در همین راستا آیه یازدهم از سوره نساء  
مقرر داشته است: "يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ  
الْأُنثِيَيْنِ..."<sup>۱۳</sup>. البته استحقاق کودک بر اموال و دارائی از دوره  
جنینی و مشروط به زنده متولد شدن، میباشد (اهلیت تمتع) و حق  
استفاده از اموال و دارائی اش (اهلیت استیفاء) منوط به رشد اوست.

<sup>۱۱</sup> - "... برای آن کس صاحب فرزند شده است، باید خوراک و پوشاک

مادران را به اندازه ای که شایسته است فراهم کند. هیچ فردی بیش از حد  
توانایی اش مسئول نیست..."

<sup>۱۲</sup> - " زنان را حتی المقنن در جایی که خودساکن هستید سکونت دهید و  
ایشان را آزار ندهید تا عرصه را بر آنها تنگ نکرده باشید و اگر باردار  
باشند مخارج آنها را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر فرزندی از برای شما  
شیر دهند مزدشان را بدهید و با مشورت و مسالمت به خوبی توافق کنید،  
اگر به توافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن بچه را بر عهده بگیرد."

<sup>۱۳</sup> - "خداوند درباره ی فرزندانان به شما سفارش می کند که سهم (میراث)

پسر، به اندازه ی سهم دو دختر باشد."

### چند نکته:

شایسته است در خاتمه این بحث، متذکر چند نکته شویم:

- ۱- بدیهی است، نگارنده به موارد مهم و در حد بضاعت کم علمی خود، به استخراج و تحلیل آیات قرآنی پرداخته است و قطعاً چنین برداشتی خالی از نقص و انتقاد نخواهد بود.
- ۲- ترتیب مباحث و فصل بندی آن، صرف نظر از اهمیت و جایگاه آنهاست، بنابراین مسلم است که برای هیچ کدام نمی توان اولویتی از جهت ارزش و اعتبار قایل شد. به عبارت دیگر، چنین تقسیم بندی در ارائه مباحث، امری سلیقه ای و به ابتکار نگارنده است.
- ۳- با عنایت به عنوان مقاله، موجبی برای ورود به مباحث حقوقی و قوانین عرفی داخلی ایران (قانون مدنی، مجازات و ...) و یا مباحث تطبیقی در حقوق خارجی و بین المللی باقی نخواهد ماند.
- ۴- اگرچه در اسلام، "قرآن" تنها منبع استنباط احکام نیست و همواره از سایر منابع در تفسیر آیات استفاده میشود، لیکن پرداختن به مباحث فقهی در رابطه با تک تک موضوعات، از حوصله این مقاله خارج است.
- ۵- در این مقاله به غیر از قرآن، از هیچ منبع دیگری استفاده نشده است.

مواردی که از بخش از آیه یکصدوپنجاه و دوم سوره انعام بدست می آید: "وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ..."<sup>۱۴</sup>.

### هفتم- حق فرزند بی سرپرست (یتیم)

توجه به حق فرزند بدون سرپرست (کودک یتیم)، بسیار زیاد و قابل توجه است. برای نمونه آیه صد و پنجاه و دوم از سوره انعام (بشرح آنچه در بالا گذشت) و نیز آیه دهم از سوره نساء که مقرر می دارد: « إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا »<sup>۱۵</sup>. همچنین در آیه سوم از سوره نساء در مورد برخورد ناشایست با مساله ازدواج با دختران یتیم، با شدت و تندى سخن گفته است: « وَ إِنَّ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ »<sup>۱۶</sup>.

### هشتم - حق فرزند خوانده

هرچند به فرزندی پذیرفتن فرزند دیگری (یا تنبئی)، مورد توجه قرآن قرار گرفته و پسندیده است، اما موجب حرمت (محرمیت) و نسبیت (قربابت و خویشاوندی) نمی شود. در بخشی از آیه چهارم از سوره احزاب آمده است: "وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ"<sup>۱۷</sup>. همچنین آیه پنجم از سوره احزاب مقرر می دارد؛ "ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَاِخْوَانَكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا"<sup>۱۸</sup>.

<sup>۱۴</sup> - "و به مال یتیم جز به شیوه ای که بهتر است نزدیک نشوید تا به حد بلوغ برسد".

<sup>۱۵</sup> - "همانا کسانی که اموال کودکان یتیم را به ناروا می خورند جز این نیست که در شکمهایشان آتشی فرومی خورند و بسیار زود به آتش افروخته دوزخ در می آیند".

<sup>۱۶</sup> - "اگر اموال دختران یتیم در اختیار شما باشد و بترسید که در صورت ازدواج، درباره اموال آنها به عدالت رفتار نکنید، پس با آنها ازدواج نکنید و زنان دیگر را که برای شما پاک و حلال هستند به همسری بگیرید".

<sup>۱۷</sup> - «و خداوند فرزند خوانده های شما را، فرزند حقیقی شما قرار نداده است»

<sup>۱۸</sup> - "آنان را بنام پدرانشان بخوانید که این نزد خدا عادلانه تر است و اگر پدرانشان را نمی شناسید پس برادران دینی و موالی شما هستند و در آنچه اشتباهات مرتکب آن شده اید بر شما گناهی نیست ولی در آنچه دلایبتان عمد داشته است مسئول میباشید و خداست که همواره آمرزنده مهربان است".



در پاکستان شرایط کودک بسیار وخیم است و پیش بینی می‌گردد این کشور که در حال حاضر ششمین کشور پر جمعیت جهان است تا سال ۲۰۵۰ به پنجمین کشور پر جمعیت با اکثریت کودک تبدیل شود.

سن ازدواج در پاکستان تابع شرایط بومی است و میلیون‌ها ازدواج در سال در این کشور اتفاق می‌افتد و تنها مواردی که سبب آسیب جنسی و جسمی دختر و یا مرگ او می‌شود گزارش می‌شود، در سال ۲۰۱۲ از مواردی که گزارش شده است ۴۳۵ ازدواج در سن ۱۱ تا ۱۵ سال صورت گرفته است و ۳۲٪ ازدواج در سن ۶ تا ۱۰ سالگی برای دختران بوده است. بیش از ۵۰٪ از دختران در سن کودکی پس از ازدواج حامله می‌شوند.

<http://www.isj.org.pk/child-marriages-in-pakistan/>

گزارش خانه امن در باره ازدواج اجباری قابل تامل است .

<http://www.khanehamn.org/archives/1139>

در این لینک گزارش کامل سازمان ملل در باره ازدواج‌های اجباری در جهان از جمله برخی کشورهای اسلامی مانند بنگلادش، چاد، مالی و نیجر را می‌توان مشاهده کرد .

<http://www.unfpa.org/webdav/site/global/shared/documents/publications/2012/MarryingTooYoung.pdf>

بر اساس ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین ماده ۱۶ کنوانسیون نفی اشکال خشونت از زنان ازدواج زیر سن ۱۸ سالگی غیر قابل قبول است.

در سال ۲۰۱۰ ۱۵۸ کشور سن ۱۸ سال را حداقل سن ازدواج تعیین نموده‌اند.

۱۶ میلیون کودک و نوجوان بین سن ۱۵ تا ۱۹ ساله هر سال مادر می‌شوند. این موضوع آنها را در شرایط سخت‌تر قرار می‌دهد و جان‌شان را در خطر قرار داده است.

بین کشورهای اسلامی اغلب سن ازدواج برای دختران کمتر از ۱۸ سال است.

در ترکیه سن ازدواج دختران ۱۵ سال است اما در عین حال برخی از مردم بصورت غیر قانونی دخترانشان را در سنین پایین‌تر وادار به ازدواج می‌کنند .

در سوریه سن قانونی ازدواج ۱۷ سال برای پسران و ۱۶ سال برای دختران است. بعد از جنگ داخلی و آوارگی مردم عده زیادی از دختران ۱۳ سال به بالا به بهانه محافظت از آنها به ازدواج‌های زیر سن و اجباری در آمده‌اند. بیشتر این موارد در اردوگاه‌های آوارگان در اردن روی داده است. متأسفانه خانواده‌های سوری در اردوگاه‌های پناهندگی نیز در برخی مواقع به دلیل عدم امکان مراقبت از کودکان دختر با ازدواج آنها در سن کودکی موافقت میکنند.

در اردن سن ازدواج برای پسر و دختر ۱۸ سال است و ازدواج زیر این سن غیر قانونی است، اما در اردوگاه‌های آوارگان این قانون رعایت نمی‌شود. تنها در شرایط استثنایی امکان کاهش سن ازدواج تا ۱۵ سالگی نیز وجود دارد.

<http://www.irinnews.org/report/95902/jordan-early-marriage-a-coping-mechanism-for-syrian-refugees>



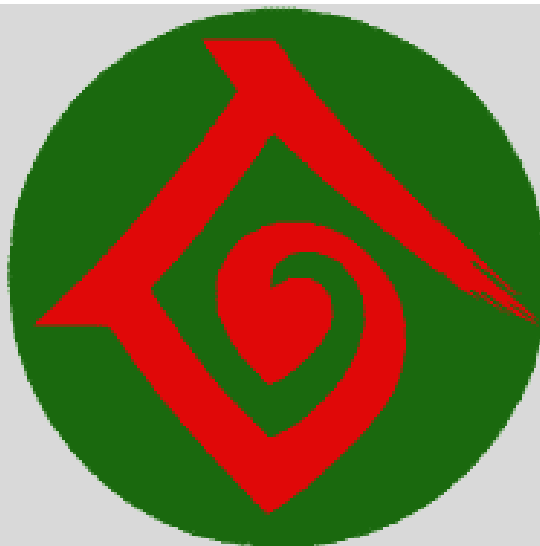
تردیدی نیست که ازدواج کودکان آثار ناگواری در زندگی آنها خواهد داشت از این رو، این اتفاق همراه با رضایت در کودک فرض نمی شود. به همین دلیل، اگر چه سن ازدواج در قانون مدنی ایران ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران در نظر گرفته شده اما در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران آمده است که ازدواج کودکان زیر سنین یادشده با اجازه ولی کودک و تایید دادگاه است.

قانون حمایت خانواده مصوب اسفند ۱۳۹۱ نیز تغییری در این وضعیت نداده است و تنها بر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی صحه گذشته است (موضوع ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده). با این قانون امیدی به رهایی کودکان از ازدواج در سنین کودکی نیست. این قانون زمینه مساعدی برای قرار گرفتن کودکان در مسیر بهره کشی بیشتر و خشونت های مختلف ایجاد می کند.

سالانه ۱۴ میلیون و دویست هزار، و روزانه ۳۹ هزار دختر در سنین پایین در جهان ازدواج می کنند. بر اساس گزارش "انجمن سرمایه مردمی" سازمان ملل، بیش بینی می شود بین سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ بیش از ۱۴۰ میلیون دختر کوچک عروس شوند.

( Child Brides)

ازدواج کودکان یکی از ابزار های بهره کشی از آنها شناخته می شود. این اتفاق مانعی جدی برای محرومیت آنها از حقوق مختلف است، از جمله همانطور که در حقوق آموزشی به این موضوع اشاره داشتیم، کودکان با ازدواج، در گام نخست از حق آموزش محروم می شوند، و در گام های بعدی ازدواج سبب محرومیت از سایر امکانات زندگی و در پی آن حامله شدن در کودکی برای دختران می شود.



## Twentieth Anniversary of the International Year of the Family, 2014

<http://undesadspd.org/Family/InternationalObservances/TwentiethAnniversaryofIYF2014.aspx>



## مقدمه

در جوامعی به مانند ایران که هنوز «هنجارهای مردسالاری»، نقش تعیین‌کننده و برجسته‌ای در مناسبات خانوادگی افراد دارد؛ مفهوم «خشونت‌های خانگی» هم غالباً ناظر بر «خشونت علیه زنان» می‌شود.

به این معنا که گستره‌ی خشونت‌های سازمان‌یافته و نهادینه علیه زنان در چنین جامعه‌هایی، آن قدر وسیع و پُردامنه است که معمولاً سایر موارد خشونت خانگی (نظیر خشونت‌ها و بدرفتاری با کودکان، سال‌خوردگان، بیماران یا افراد ناتوان) کمتر دیده می‌شود.

این در حالی است که دست‌کم «خشونت و بدرفتاری علیه کودکان»، از مصادیق اصلی، محوری، بااهمیت و پرشمار «خشونت‌های خانگی» به شمار می‌رود. خشونت‌هایی که خود انواع مختلفی دارد و صرفاً هم در محدوده‌ی خشونت‌های فیزیکی یا تنبیه‌های بدنی جای نمی‌گیرد.

به هر روی، در این یادداشت کوتاه برآنیم تا ضمن برشمردن برخی از شاخص‌ترین انواع «خشونت علیه کودکان»، اشاره کوتاهی نیز به رژیم‌های حقوقی مرتبط با آن در سطح بین‌المللی داشته باشیم.

## الف) «خشونت‌های فیزیکی»

«خشونت‌های فیزیکی» را شاید بتوان آشناترین شکل خشونت علیه کودکان معرفی کرد. «تنبیه‌های بدنی و بدرفتاری با کودکان» هرچند به طور غیرقابل انکاری در محیط‌های آموزشی یا کاری (در رابطه با کودکان کار) در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سنتی‌تر و اغلب فقیرتر به کار می‌رود؛ اما در فضاهای خانگی و از سوی والدین یا سرپرستان کودکان، کم و بیش در همه جای جهان گزارش می‌شود.

واقعیت این است که سنت‌های تربیتی برخی از جوامع توسعه‌نیافته، کماکان «تنبیه بدنی» را امری کارساز و مفید قلمداد می‌کند. اما تا سال ۲۰۱۳، دست‌کم ۳۴ کشور در سراسر جهان، «تنبیه بدنی» کودکان را صرف نظر از اینکه از سوی والدین صورت می‌گیرد یا

فردی بیگانه و ناآشنا، جرم قلمداد کرده‌اند و در پی آن، قوانین حمایتی مشخصی نیز پیش‌بینی کرده‌اند.

برای مثال در اروپا، ۲۲ کشور چنین قوانینی را دارند و به طور عملی هم در حال اجرای آن هستند. (برای آگاهی از فهرست این کشورها و توضیح کوتاهی از روند تصویب چنین قوانینی در کشورهای مختلف جهان می‌توانید به این پیوند مراجعه نمایید.)

علاوه بر مکانیسم‌های داخلی، برخی از سازوکارهای جهانی نیز در رابطه با خشونت‌های فیزیکی علیه کودکان در دسترس هست. برای نمونه، «کمیته‌ی حقوق بشر سازمان ملل» در سال ۱۹۹۲ در تفسیر ماده‌ی ۷ کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی (۱۹۶۶) آشکارا اشاره می‌کند که نه تنها مقررات این ماده می‌باید به تنبیه‌های بدنی نیز تعمیم یابد؛ بل که از نظر این کمیته، کودکان، دانش‌آموزان و کسانی که در موسسه‌های آموزشی و پزشکی حضور دارند؛ در موقعیت ویژه‌ای قرار دارند. (برای مطالعه‌ی متن کامل این «نظریه تفسیری» می‌توانید به این پیوند مراجعه کنید. همین طور برای مطالعه‌ی متن کامل کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی نیز اینجا بروید.)

## ب) آزارهای جنسی

بعد از تنبیه‌های بدنی، «آزارهای جنسی کودکان»، شاید شایع‌ترین شکل خشونت علیه آنان باشد که غالباً هم از سوی نزدیکان و آشنایان کودک و در چهارچوب نهاد بزرگ خانواده صورت می‌گیرد.

سواستفاده‌ی جنسی از کودکان، تقریباً در تمامی کشورهای جهان و در میان اکثر موازین حقوقی «جرم» تلقی می‌شود و معمولاً هم با مجازات‌های سنگینی همراه است.

«کنوانسیون حقوق کودک» (۱۹۸۲) که دولت ایران نیز آن را امضا کرده است؛ در مواد ۳۴ و ۳۵ خود از دولت‌های عضو می‌خواهد تا از کودکان در برابر سواستفاده و بهره‌مندی جنسی حفاظت کنند. (متن کامل کنوانسیون را در اینجا ببینید.)

دولت‌ها موظفند، در چهارچوب وظایف خود، سازوکارهای حمایتی

را در برابر بهره‌کشی‌های اقتصادی، یا هر گونه کاری که ممکن است به سلامت و رشد جسمی و فکری آنان ضربه زند به رسمیت بشناسد (چه در داخل خانه چه در محیط‌های کاری بیرون از خانه). برای مطالعه متن کامل این کنوانسیون می‌توانید به این پیوند مراجعه نمایید.

علاوه بر کنوانسیون حقوق کودک و نیز برخی از تمهیداتی که معمولاً در قالب رژیم‌های حقوقی داخلی برای جلوگیری از کار کودکان اعمال می‌شود؛ مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۸۲ سازمان جهانی کار (۱۹۹۹ - ۱۳۷۸) نیز در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است.

بر اساس مفاد این مقاله‌نامه که دولت ایران نیز آن را امضا کرده است؛ دولت‌ها موظف هستند اقدام‌های فوری را برای محو و از بین بردن بدترین اشکال کار کودک، نظیر قاچاق کودکان، استخدام‌های اجباری یا کارهایی که با سلامت و ملاحظات اخلاقی کودکان منافات دارد را به کار بندند.

روشن است که موارد خشونت علیه کودکان تنها به این موارد ختم نمی‌شود؛ اما خشونت‌های نظام‌یافته‌ی خانگی بیش از همه ظاهراً خود را در این موارد نشان می‌دهد. مواردی که متأسفانه هنوز در سطح بین‌المللی، سازوکارهای نظارنی خاصی نیز برایش تعریف نشده است.

#### پانویس:

۱ - کنوانسیون حقوق مدنی-سیاسی سازمان ملل، از این جهت اهمیت دارد که برای دولت‌های عضو از جمله دولت ایران جنبه‌ی الزام‌آور دارد.

۲ - به ممنوعیت کار کودکان در زیر ۱۵ سالگی و لزوم تعیین حداقل سن کار، در مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۳۸ سازمان جهانی کار اشاره شده است. برای مطالعه‌ی متن کامل این سند نیز می‌توانید به این پیوند مراجعه نمایید.

مشخصی را از قربانیان خشونت‌های جنسی به ویژه کودکان فراهم آورند. ایجاد و تقویت یک رژیم حقوقی مترقی که توان برخورد با آسیب‌های اجتماعی پیچیده‌ای نظیر سواستفاده جنسی از کودکان را داشته باشد؛ از جمله این وظایف است.

شاید پیشرفته‌ترین قوانین حمایتی از کودکان در برابر سواستفاده و بهره‌کشی جنسی و هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) کودکان را بتوان در سطح اتحادیه اروپا یافت. برای نمونه، پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۱ مجموعه ضوابط مشخصی را در این رابطه تصویب کرده است. (برای آگاهی بیشتر می‌توانید به این سند مراجعه نمایید).

#### ج) کودکان کار

کار کودکان، از خشن‌ترین اشکال بدرفتاری علیه کودکان به شمار می‌رود. برابر آخرین برآوردهای سازمان جهانی کار (ILO) در حال حاضر، دست‌کم ۱۶۸ میلیون کودک در سراسر جهان، دارند کار می‌کنند که از این میان، ۸۵ میلیون نفر آن‌ها در حرفه‌های خطرناک به کار گرفته شده‌اند.

بر پایه‌ی اغلب گزارش‌هایی که در این زمینه منتشر شده است، بیشتر «کودکان کار» در مناطق توسعه نیافته یا کمتر توسعه یافته آسیا و آفریقا زندگی می‌کنند. جاهایی که به سبب توان اندک اقتصادی خانواده‌ها و نیز برخی از سنت‌های قدیمی، کار جمعی در خانواده امری پذیرفته شده است.

خشونت نظام‌یافته‌ی خانگی علیه کودکان، شاید بیش از همه خود را در «کار کودکان» نشان می‌دهد. بر پایه‌ی برآورد سازمان جهانی کار، نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک در سراسر جهان تنها در بخش کشاورزی مشغول به کارند. بخشی که به طور غالب در کشورهای توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته فعالیت‌های جمعی برای تمامی اعضای خانواده محسوب می‌شود.

واقعیت این است که اکثر این کودکان، در کارگاه‌های خانگی و حتی محروم از حداقل استانداردهایی کار می‌کنند که ممکن است برای کار بزرگسالان تعریف شده باشد.

«کنوانسیون حقوق کودک» (۱۹۸۹) در ماده‌ی ۳۲ خود از دولت‌های عضو (از جمله دولت ایران) می‌خواهد تا حقوق کودکان

# خانه‌هاست

